

حاکمیت جمهوری خواهان

درگیری جناح های مختلف رژیم جمهوری اسلامی و تشدید این برخوردها در جریان برگزاری چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، جو تازه ای در فضای سیاسی کشور گشوده است، که از محتضات آن جسارت افراد و گروه های مختلف در افشا نمودن فضای اختناق و مبارزه علیه آن در عرصه های مختلف است.

مبارزه برای گشودن بن بست کنونی جامعه و باز نمودن راه تحول به نفع آزادی و خواست ها و آرمان های توده های وسیع مردم هر روز ابعاد و گسترش بیشتری پیدا می کند. سمت این مبارزه جناح های درگیر حاکمیت را نیز در درون خود فرو می کشد.

شکست سنگین دوگروه ادامه در ص ۷

انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی شاهد دیگری بر ورشکستگی رژیم "ولایت فقیه"

همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز به درستی آمده، در حالی که "برخلاف اصول قید شده در قانون اساسی، نه تنها احزاب و گروههای سیاسی اجازه فعالیت آزاد و شرکت در انتخابات را ندارند، بلکه بسیاری از اعضا و هواداران آنها یا در زندانها بسر می برند یا به جوخه های اعدام سپرده شده اند"، این مضحکه "چیزی جز خیمه شب بازی از پیش تدارک دیده شده برای حذف مخالفان" نمی توانست باشد.

بالاخره پس از هياهو بسیار برای حفظ قدرت، انتخابات فرمایشی دوره چهارم مجلس شورای اسلامی به پایان رسید.

مطبوعات غربی حتی قبل از شروع انتخابات "پیروزی بزرگ" جناح "میانه رو" در انتخابات را "پیش بینی" می کردند و تلاش وسیع و همه جانبه ای را برای معرفی آن به عنوان يك نقطه عطف در اوضاع اقتصادی - سیاسی ایران آغاز کرده بودند. چهار روز پس از انتخابات، در حالیکه تنها نیمی از آرا شمرده شده بود، روزنامه "فایننشال تایمز" چاپ لندن (۱۴ آوریل ۹۲)، با خوشحالی و شغف بسیار نوشت: "پرزودنت رفسنجانی در انتخابات روز جمعه مجلس با فاصله زیادی نسبت به رقبای پیروزی رسیده است و به نظر می رسد که هواداران او کنترل مجلس آینده را در دست داشته باشند". این روزنامه، "ابعاد پیروزی" جناح "میانه رو" را بیش از حد انتظار و "غافلگیرانه" اعلام کرد.

ادامه در ص ۴ و ۵

نامه مردم از رکن مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۷۶، دوره هشتم،
سال هفتم، ۵ خرداد ۱۳۷۱

"ترك مخاصمه آرام یا قلع و قمع خسونت بار"

با پایان دور دوم چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی، ابعاد شکست جناحهای درگیر بیش از پیش نمایان می گردد. آمار رسمی شرکت کنندگان دور دوم به مراتب بدتر از دور نخست بود و اکثریت نمایندگان انتخابی در این دوره از انتخابات با آرا ۱۰ تا ۱۵٪ از رای دهندگان به مجلس راه یافته اند.

همانطوریکه از قبل پیش بینی می شد، چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی که با هدف پاکسازی و یکدست کردن مجلس تدارک دیده شده بود، توانست به وظایف خود عمل کند.

حذف گروه نسبتا بزرگی از سردمداران سابق حکومتی شامل افرادی چون کروی، محتشمی، موسوی خوئینی ها، خانم دیباغ (رجایی)، خلخالی و... که در گذشته ای نه چندان دور بر مسندهای کلیدی حکومتی تکیه زده بودند، توازن قوا در مرحله فعلی را به طرز شگفتنده ای به نفع جناح حاکم تغییر داد.

ما در گذشته تذکر داده بودیم که حتی در صورت چنین نتیجه ای بعید است که ادامه در ص ۲

ناله "مرغ موسیقی" در قفس "ولایت فقیه"

در تابستان سال ۱۳۷۰ نشریه ای با نام "کتاب ماهور" در تهران آغاز به انتشار کرد. جلد اول این نشریه که شامل مجموعه مقالاتی در باره موسیقی است، با تیراژ ۵۰۰۰ نسخه منتشر شده است. تهیه کنندگان "کتاب ماهور" از کارشناسان و موسیقی دانان تحصیل کرده ایرانی هستند. آنها در مقالات خود جوانب گوناگون وضعیت کنونی موسیقی در ایران را مورد بررسی و نقد قرار داده اند.

با توجه به تیراژ کم این نشریه و دسترسی نداشتن هم میهنان علاقمند به فرهنگ و هنر ایرانی در خارج از کشور به آن، مفید دانستیم برخی از نتیجه گیریهای عمومی نویسندگان "کتاب ماهور" را در زمینه مشکلات موجود در برابر موسیقی در ایران کنونی، برای خوانندگان خود بازگو کنیم تا از نزدیک و از دید دست اندرکاران، با وضع اسفناک این هنر در رژیم "ولایت فقیه" آشنا شوند.

ادامه در ص ۳

در دیگر صفحات:

۲۹ - امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی (سابق)

ص ۸

سازمان ملل: ۹۰۰ میلیون گرسنه در جهان

ص ۸

زنده باد آزادی و صلح، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!



خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی:

"سرمایه مثل پرنده داخل قفس است اگر یک انگشت به داخل قفس نزدیک کنید پرنده از این طرف به آن طرف پرمی زند".
"خبرنامه توده"، اینطور که ما دیدیم پرنده های وطنی ما اساسا مهاجرت، انگشت نرسانده هم پس از مدتی سیر و سیاحت پرزده می روند.

زنده هستیم از انقلاب و راه امام دفاع می کنیم" و فحاشی های او به جناح مقابل دلیل روشنی از این تغییر و تحولات در میان جناح های درگیر در جمهوری اسلامی است.

تحولات در کشور ما بر خلاف میل و سلیقه و انتظارات این یا آن گروه در حرکت است سمت و سوی این تحولات استقرار آزادی و دموکراسی در میهن ماست و تشدید برخوردها و تبلور آن در چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی نقطه عطفی در شتاب بخشیدن به این روند بود که مهار آن توسط جناح غالب بسیار دشوار بنظر می آید.

این نگرانی در سخنان هادی خامنه ای -برادر "ولی ققیه"- زنگ خطری است که برای مجموعه رژیم "ولایت ققیه" به صدا در آمده است، "متأسفانه در این انتخابات بذری افشاندن و سنگ بنای خطرناکی گذارده شد که آینده ارزش های انقلاب را تهدید جدی می کند و سیلی است که همه چیز را با خود خواهد برد. یقیناً این لقمه گلو گیر خواهد بود و این چاهی که کنده شده عاملان را نیز خواهد بلعید..."

ما نیز با این عقیده موافقیم که دیری نخواهد پایید که سیل بنیان کن آزادی خواهی و حق طلبی توده های وسیع و محروم میهن ما گلوی آزادی ستیزان را خواهد گرفت و به رژیم "ولایت ققیه" پایان خواهد داد. لزوم چنین تحولی ریشه در اعماق جامعه ما و رشد نیروهایی دارد که خواهان رها ساختن جامعه ما از بحران کنونی اند.

و آرا مردم ما بوده است شوخی بی مزه ای بیش نیست که هیچکس، حتی طرفداران رژیم نیز آنرا جدی نخواهند گرفت. ما پاسخ نصایح علی خامنه ای را از زبان برادرش که در سخنرانی خداحافظی در مجلس افشاگری های جالبی پیرامون انتخابات چهارم نمود، به وی می دهیم. هادی خامنه ای در سخنرانی پیش از دستور جلسه علنی مجلس پس از توضیحات مفصلی پیرامون ناعادلانه بودن انتخابات مجلس چهارم خطاب به رفسنجانی و خامنه ای از جمله گفت: "اگر به این نتیجه رسیده بودید که وجود و حضور ما در متن حکومت مانع پیشرفت کارهاست می توانستید رسماً به ما بگویید، ما به سادگی آماده بودیم صحنه را به نفع شما ترک کنیم... ولی در عمل نشان داده شد که جناح به اصطلاح میانه رو مایل نیست به ترک مخاصمه آرام تن دهد، بلکه می خواهد با قلع و قمع خشونت بار و با حذف سراسری جناح رادیکال، برای همیشه خیال دشمنان خارجی را آسوده سازد..."

هادی خامنه ای قاعدتاً با اطلاع دقیق، خبر از تدارک سرکوب جناح خود را می دهد. در روزهای اخیر زمینه چینی های این سرکوب و تهدید علنی برخی از چهره های مشخص جناح مقابل نشان داد که زمینه سرکوب قاطع و سرتاسری جناح حذف شده در صورتیکه آنها آرام به خانه هایشان نروند و دهنشان را نبندند از مدتها پیش تدارک دیده شده است.

عقب نشینی واضح و ناگهانی کروی در جلسه ۲۰ اردیبهشت مجلس شورای اسلامی و پیشنهاد وی به ترک مخاصمه آرام و یکجانبه نشانگر فشارهای شدیدی است که پس از انتخابات برای خاموش کردن جناح مقابل وارد آمده است.

شواهد حکایت از آن دارد که این فشارها احتمالاً منجر به برخی گسست ها در صفوف جناح شکست خورده و تمکین بخشی از آنها به خواست های گروه رفسنجانی - خامنه ای خواهد شد و از طرف دیگر بخش دیگر را به برخوردهای رودر رو و شدیدتر خواهد کشاند. سخنان محتشمی مبنی بر اینکه "ما تا

"ترک مخاصمه آرام یا ...

جناح حاکم بتواند با "آرامش" ضرور به موقتیت آرام و بی سرو صدای برنامه هایش نایل آید. سیر حوادث و افشاگری های روزنامه جناح حذف شده و رو کردن تقلبات و آمار واقعی شرکت مردم در انتخابات، تلاش گسترده رژیم در خاتمه دادن به مطرح شدن مسئله انتخابات در سطح جامعه را با شکست روبرو کرد.

بررسی دقیق انتخابات همچنین نشان می دهد که حداقل نزدیک به ۳۰ تن از نمایندگان جناح مقابل توانسته اند به مجلس راه یابند. این تعداد با توجه به اینکه اکثریت نمایندگان انتخاب شده را افراد بی خط و متزلزل از لحاظ تمایلات سیاسی تشکیل می دهد، می تواند نقشه های جناح حاکم برای خاموش کردن صدای انتقاد از تربیون مجلس را با شکست روبرو کند.

افزون بر این شواهد زیادی در دست است که بخش عمده ای از افراد جناح مقابل که در انتخابات حذف شده اند، به این راحتی میدان را ترک نخواهند کرد و مصمم اند تا به مبارزه تا آخرین قطره خونشان ادامه دهند.

بر اساس چنین درک و نگرانی است که علی خامنه ای در سخنرانی خود به مناسبت پایان انتخابات با دلجویی از جناح مقابل می گوید: "در بین کسانی که انتخاب نشده اند ما چهره های خوب، لایق و با شخصیتی می شناسیم، مبدا برادری که انتخاب شده آنها را خارج از محدوده کارهای کشور و انقلاب به حساب بیاورد یا تحقیر کند...". خامنه ای پس از این تعارفات بی معنی است که لب مطلب را چنین بیان می کند: "به برادران و خواهرانی که انتخاب نشده اند عرض می کنم که رای مردم محترم است. همه باید تابع نظری که مردم تشخیص دادند و به آن عمل کردند باشیم... نصیحت خامنه ای به جناح مقابل پیرامون احترام به رای مردم در حالیکه اساس رژیم جمهوری اسلامی و عملکرد آن در طول سیزده سال گذشته در تضاد واضح و آشکار با خواست

در قلمرو "ولایت ققیه" سازمان بازرسی کل کشور هیچ گاره است!

انقلابی صادر می کنند قابل تجدیدنظر نیست. برای اعتراض به چه مرجعی باید شکایت برد؟ پاسخ: مشکلات محاکم را باید دادستان ها، روسای دادگستری، دادستان کل و رئیس دیوان عالی کشور پاسخگو باشند. پرسش: در رابطه با رشوه خواری و رشوا ارتشا در سازمان های دولتی چه می گوئید؟ پاسخ: برای کشف این قبیل جرایم باید

حجت الاسلام دکتر محقق داماد، رئیس "سازمان بازرسی کل کشور" در تالار اجتماعات کاخ دادگستری حضور یافت و ضمن تشریح وظایف این سازمان، به پرسش های مردم نیز پاسخ گفت: اینک چند پرسش و پاسخ: پرسش: با توجه به گرانی که عامل آن شرکت های دولتی هستند، سازمان بازرسی کل کشور چه اقدامی می کند؟

پاسخ: سازمان بازرسی کل کشور مسئول مستقیم تورم نیست... در حال حاضر پنیادهای مختلف بدون هماهنگی بانک مرکزی و ثبت سفارش با خریدهای کلان از خارج جنس وارد می کنند، همین امر امور اقتصادی را مختل می کند.

پرسش: احکامی را که دادگاه های

دادستان ها و نیروهای انتظامی فعال باشند. این امر از وظایف سازمان بازرسی کل کشور محسوب نمی شود. مردم نیز باید گزارش خود را به مقامات قضایی و انتظامی بدهند.

پرسش: در مبارزه با قاچاق میراث فرهنگی چه می کنید؟

پاسخ: محاکم باید با قاچاقچیان میراث فرهنگی قاطع تر برخورد کنند. شهرداری تهران نیز به بازرسی کل کشور اعلام داشته کسانی که به مراکز فرهنگی و ملی خسارت می رسانند و یا به غارت می برند تعقیب نمی شوند. تخریب آثار فرهنگی و ملی جرم محسوب می شود و سازمان میراث فرهنگی باید حساسیت بیشتری برای حفظ آثار ملی و فرهنگی کشور از خود نشان دهد (۱).

ناله موسیقی در قفس ...

اینک گوشه هائی از دو مقاله "بحرانی فزوتتر" و "بررسی دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه".

سوزاندن خشک و تر باهم

"درسالهای اخیر که در ایران اقداماتی برای سرکوب و فروپاشی موسیقی مبتذل و بازاری به عمل آمد، تهیه و تولید و عرضه موسیقی جدی نیز با تزلزل و مشکلات بسیار روبرو گشت. حقیقت این بود که هنر موسیقی، در کل زیر سوال و ضربه قرار گرفته بود و محور اصلی حرکت بر نفی آن قرار داشت".

نتایج موسیقی ستیزی رژیم "ولایت فقیه"

"آموزش جدی و آکادمیک آن در مقاطع مختلف تحصیلی مدتها تعطیل گردید... اجرای همه برنامه ها و کنسرت ها به حال تعلیق در آمد. اکثر ارکسترها و گروههای سازی و آوازی که هر يك ثمره عمری تلاش هنرمندان و سرمایه گذاری های مادی و فرهنگی کشور در این زمینه بود، به مرور منحل شد. تعداد اندکی هم که با مشکلاتی باقی مانده، آنچنان دستخوش ناپسامانی قرار گرفت که به جای عرضه درست آثار هنری، جز تخریب و در هم کوفتگی اعصاب نوازندگان، حاصل دیگری نداشت. برنامه های مستقل موسیقی به کل از رادیو و تلویزیون حذف گردید و این هنر زمینه ساز و دنباله رو برنامه های دیگر قرار گرفت و به تیج آن از پخش تصویر موسیقی دانان و نوازندگان- حتی شایسته ترین آنان- نیز از تلویزیون جلوگیری به عمل آمد. کلیه کلاسهای آزاد موسیقی در بخش خصوصی سخت زیر فشار قرار گرفتند به طوری که برخی از آنها به کلی بر چیده شدند... با سلب استقلال فکری هنرمندان این رشته، چیزی به نام موسیقی رواج پیدا کرد که اکثرا عاری از هرگونه دانش و بینش هنری بود و در حالی که بخشی از مجریان و ارائه دهندگان موسیقی ما به دلیل جنسیت از اجرای چنین برنامه ها هم محروم ماندند... و بالاخره این هنر تا بدانجا در مسیر محرومیت قرار گرفت که حتی انتقال و حمل ساز - این اولین ابزار بیان و عرضه موسیقی - نیز با مخاطرات جدی روبرو گردید که در اغلب موارد به شکست و در هم کوفتن آنها منجر شد".

مرا به خیر تو امید نیست شهرمرسان!

"این حاصل بحرانی است شدید که هنر ملی ما در سالهای اخیر پشت سر گذاشته است و

باید گفت، متأسفانه آنان که ارزشهای واقعی آن را در جامعه نشناخته اند و به محرومیتش کشانده اند، مطمئناً سازنده و آباد کننده آن نخواهند بود. این حقیقتی است که همگان بر آن واقفند...".

بی اعتنائی به دانش و فرهنگ جهانی و ایرانی

"شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی در جلسه یکمصد و بیست و نهم خود به تاریخ ۶۷/۴/۱۸ برنامه دوره کارشناسی (لیسانس) موسیقی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی را تصویب کرد... چنین به نظر می رسد که کمیته موسیقی گروه هنر شورای عالی برنامه ریزی و یا خط دهنده اصلی گروه، نیازی ندیده است که برنامه موسیقی دوره عالی کنسرواتوار ها، آکادمی ها، دانشگاهها و هنرستانهای موسیقی ایران و جهان را تحت بررسی و مطالعه قرار دهد و در نتیجه تجربه های چند قرن آموزش موسیقی در دنیا و بیش از نیم قرن آموزش علمی موسیقی در ایران را نادیده گرفته است".

کوتاه اندیشی و ریاکاری

"برنامه دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه يك برنامه (اگر نکوئیم واپسگرا) سنت گراست و فقط خواسته اند با واژگان و مفاهیم موسیقی علمی، رنگ و لعاب ترقی خواهانه به آن بزنند...
"بی اعتنائی به تجربیات گذشتگان و تنها تکیه به تجربه و دانش اندک خود را جز کوتاه اندیشی به مفهوم دیگری نمی توان تعبیر کرد..."

نفی هر گونه نوآوری و تحول

"تنظیم کنندگان و نویسندگان برنامه دوره کارشناسی موسیقی دانشگاه با تحولاتی که از سال ۱۳۰۲ شمسی و با تشکیل مدرسه عالی موسیقی که به دست علینقی وزیری پایه گذاری شد، بیگانه و بی اعتنا شدند و با وجود آنکه در صفحه ۲ نوشته اند: "حرکت و تغییر لازمه هستی موجودات و نشانگر سیر تداوم هستی در صورت های گوناگون آنست"، ولی در عمل و یا توجه به برنامه موسیقی دانشگاه، با هر گونه تحول و نوآوری مخالفند و تحولات نیم قرن اخیر در زمینه تحولات موسیقی ایران را بکلی نادیده می انگارند و چنین بر می آید که نسیم حرکت و تغییر را احساس نکرده اند".

گاری دستی

به جای راکتور اتمی

"در صفحه ۴۸ و ۵۰ در درس شناخت

موسیقی قدیم ایران، نغمه نگاری موسیقی ایران با حروف ابجد و سبک "جدید مخبر السلطنه هدایت" بعنوان مبانی موسیقی قدیم ایران و اتصال آن به موسیقی جدید ارائه می شود. در صورتیکه امروز با توجه به خط نت، نغمه نگاری با حروف ابجد، هیچگونه ارزش علمی و اجرایی ندارد. دیگر زمان تکرار حرفها و حدیث های کهنه و باطل، گذشته است. جزم اندیشی و تفکر سنکواره ای نمی تواند راهکشی آموزش موسیقی، آنهم در سطح دانشگاه باشد. مقایسه ابجد و خط نت مقایسه گاری دستی و راکتور اتمی است".

ذات نایافته از هستی بخش

"کسانی می توانند يك برنامه منظم علمی و جامع موسیقایی ارائه نمایند که خود در مسیر آموزش سیستماتیک موسیقی قرار گرفته باشند و دارای فرهنگ و بینش عمیق هنری باشند و نیازهای زمانه را درک کنند و به کار بندند".

... و موسیقی امروز:

حدیث ملال آور تکرار

"امروزه به لحاظ عدم يك سیاست مشخص هنری، وضع خاصی بر موسیقی حاکم است و نوع بسته و بسیار محدودی از انواع موسیقی، جواز ورود به رسانه ها را دارد که وجه غالب آن آهنگ گذاردن روی بعضی از غزلهای شاعرانی است که آنها هم جواز ورود به حیطه آهنگ را دارند. در نتیجه اکثر آهنگها قالبی، تکراری، یکنواخت، یکصدایی و بدون فرم مشخصی است. این آهنگها برای مردم جالب نیست و مردم ما زمزمه گر آنها نیستند. در اشعار این آهنگها يك مضمون واحد است که مدام تکرار می شود و تمام گروههای سنی از کودکان و نوجوانان و جوانان تا پیران کهن سال مجبورند به این نوع موسیقی و شعر گوش فرا دهند. اشعاری که بیشتر نوعی صوفیکری بی رمق و بدون توش و توان بر آن حاکم است. این قبیل آهنگها را دیگر نمی توان ترانه یا تصنیف نامید. در آمیختگی کلام و موسیقی است که به منظور خاصی ترانه سرا و ترانه ساز را به همکاری واداشته است. ولی در اغلب قطعاتی که امروز از رسانه های جمعی و یا به ندرت از سالن های کنسرت و یا در نوارهای کاست به گوش می رسد، عدم تعادل و تناسب در محتوای شعر با لحن آهنگ به چشم می خورد".

امیدوارم در فرصت های دیگر خوانندگان را با دیگر مقالات "کتاب ماهوز" آشنا کنیم.

با آرزوی موفقیت برای گردانندگان این نشریه، در گشودن دریچه امید به روی دوستداران موسیقی.

اما هم روند تدارک انتخابات و هم نتایج واقعی آن، بیش از هر چیز بیانگر ورشکستگی کامل رژیم "ولایت قیه" و رویگردانی توده های مردم از آن است. نگاهی به وقایع چند ماه اخیر و نتایج آرا انتخابات، این حقیقت را به وضوح نشان می دهد.

"خیمه شب بازی" برای حذف مخالفان

علیرغم پایکوبی های مطبوعات غربی و تلاش آنها برای نسبت دادن این به اصطلاح "پیروزی" به "محبوبیت" جناح میانه رو در میان مردم، شکست فاحش جناح "تندرو" به هیچ وجه ناشی از محبوبیت "میانه رو"ها در بین مردم نبوده و نیست. زیرا همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به این مناسبت آمده، این نه یک انتخابات واقعی، بلکه تنها یک "خیمه شب بازی" از پیش تدارک دیده شده برای حذف مخالفان گروه رفسنجانی - خامنه ای از مجلس، بود.

تدارک این "خیمه شب بازی" از مدتها قبل شروع شده بود. یکی از مهم ترین گام های علنی در جهت حذف جناح مخالف، طرح مساله حق نظارت کامل "شورای نگهبان" بر انتخابات از سوی جناح "میانه رو" بود. مبارزه جناحی بر سر این موضوع از مجلس نیز فراتر رفت و حتی به درگیری انجمن های اسلامی دانشگاهها و سایر ارگانها نیز کشیده شد. درگیری های لفظی شدید بین نمایندگان دو جناح در مجلس نیز از حد عادی خارج شد و حتی به قول علیمحمد بشارتی، قائم مقام وزارت خارجه جمهوری اسلامی، به فحاشی و اهانت ناموسی نیز رسید. آتش به قدری شور شد که محمد رضا مهدوی کنی در یک سخنرانی هشدار داد که "فحش هایی که احيانا میان ما رد و بدل می شود، روی دشمنان را باز کرده، ... متاسفانه ما خودمان حرم را شکستیم. وقتی بنده و جنابمالی در برابر هم ایستاده ایم، دشمن و افراد بی تفاوت از آب گل آلود ماهی می گیرند".

جناح "میانه رو" برای خنثی کردن اتهامات جناح "تندرو" مبنی

بر اینکه این انتخابات آزاد نخواهد بود دست به مقابله زد. قبل از همه نوری، وزیر کشور در یک سخنرانی برای بازرسان انتخاباتی ضمن این ادعا که "در ایران انتخابات آزادتر از آمریکا برگزار می شود"، مدعی شد که نبود آزادی احزاب و سازمانهای اپوزیسیون در ایران هیچ ربطی به آزاد بودن یا نبودن انتخابات ندارد او ضمن مقایسه انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات آمریکا گفت، "انتخابات در آمریکا تحت سلطه احزاب است و دو حزب بزرگ در آمریکا تکلیف آرای مردم را تعیین می کنند... در اینگونه انتخابات وجود آرای مستقلى که مردم خودشان بدانند به چه کسی می خواهند رای بدهند و بر اساس تشخیص خودشان باشد، خیلی کمیاب است و طبیعی است که در برگزاری اینگونه حفظ منافع حاکمیت و همچنین حفظ عناصر پشت پرده حکومت اصل است". البته آقای وزیر کشور فراموش کردند بگویند که این توصیف واقعا دقیق ایشان از ماهیت انتخابات در آمریکا، در مورد انتخابات "ولایت قیه" تحت نظارت ایشان صد چندان بیش از آمریکا مصداق دارد.

سردمداران جناح "میانه رو" که از رویکردانی مردم از این "خیمه شب بازی" انتخاباتی کاملا آگاه بودند، تلاش کردند که این تهدید "تندرو"ها را بعنوان علت الکل عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات معرفی کنند. از جمله، مرتضی نبوی، سردبیر روزنامه "رسالت" طی یک سخنرانی در مسجد مهدوی تهران اعلام کرد، "برخی از هم اکنون زمزمه می کنند که اگر روند انتخابات بر وفق مراد آنان نباشد، در انتخابات مجلس آینده شرکت نخواهند کرد تا در صورت پائین بودن آرا میاهو کنند که مردم به دلیل عدم شرکت آنان، کمتر در انتخابات شرکت کرده اند". او سپس هشدار داد که "مردم باید هشیار باشند و با شرکت گسترده در انتخابات این ترقند را خنثی کنند".

بالاخره خامنه ای در دیدار خود با اعضای هیئت اجرایی نظارت بر انتخابات، میخ آخر را بر تابوت جناح "تندرو" کوبید. صحبت های او در این دیدار، از

نظر درک ماهیت واقعی این انتخابات و دید رژیم "ولایت قیه" نسبت به دموکراسی و نقش مجلس در آن بسیار گویا و از نظر تاریخی پراهمیت است. او در صحبت های خود تاکید کرد که "... باید با دقت ضوابط را رعایت کنید. نماینده ای که وارد مجلس می شود باید انسان سالمی باشد". او ضمن تاکید بر ضرورت جلوگیری از ورود افراد "فاسد" به مجلس گفت، "فساد اعم است از فساد مالی و فسادهای گوناگون اخلاقی یا فسادهای عقیدتی و سیاسی که همه اینها فساد است... کسی که قتنه گری می کند، نظام را تضعیف می کند، کارایی دستگاهها را از آنها می گیرد و به قول معروف چوب لای چرخ دستگاه می گذارد، نمی تواند در آن تریبون با عظمت حضور پیدا کند و نباید وارد مجلس بشود... کسانی که رفتار و گفتار آنها حاکی از این است که با هر انگیزه ای قصد مقابله با نظام را دارند نباید وارد مجلس بشوند، این جهت را باید رعایت کرد". او سپس ضمن اعلام پشتیبانی از عملکرد شورای نگهبان هدف کلی این انتخابات و نقش مجلس در رژیم "ولایت قیه" را به این شکل برای هیئت نظارت بر انتخابات توضیح داد: "جهت نظام ما جهت اسلامی است... سلامت نظام وابسته به وجود قوانین صحیحی است که اسلام در آنها رعایت شود و اگر خدای ناکرده مجلس نتواند قوانین منطبق با اسلام را ارائه کند، بلاشک این وضعیت در وضع دولت، کشور و اداره اجرایی آن اثر خواهد گذاشت، یعنی سلامت نظام وابسته به مجلس است. یک مجلس سالم، قوی، کارآمد و دارای اعضای مومن و منطبق با ضوابط خواهد توانست پشتیبانی قانونی نظام را به شکلی صحیح انجام دهد". (تاکید از ماست - نامه مردم)

به زبان ساده تر اینکه، اصل حفظ رژیم "ولایت قیه" است، مجلس نه وظیفه دفاع از منافع مردم، که وظیفه قانونیت بخشیدن و پشتیبانی از رژیم "ولایت قیه" را به عهده دارد؛ هدف از انتخابات وارد کردن افرادی که این اصل را می پذیرند به مجلس است، کسانی که درک دیگری از اصول دموکراسی و وظایف مجلس دارند فاسداند و باید بهر طریق از ورود

در حاشیه انتخابات

مرا از بالا انتخاب نموده اند!

یکی از کاندیداهای دوره چهارم مجلس شورای اسلامی در یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی که گویا پس از انقلاب سفیر ایران در دو کشور نیز بوده، در یک سخنرانی انتخاباتی مطالبی ایراد نموده که خواندنی است و بی ضمن آنکه خود را بعنوان یار و مترجم ریاست جمهوری معرفی نموده، اظهار داشت: "من ماهانه صد هزار تومان از دولت حقوق می گیرم، به پول احتیاجی ندارم و آمده ام برای شما ملت خدمت بکنم و شما باید فردی را انتخاب کنید که علاوه بر داشتن معلومات عمومی، دارای پارتنری در مجلس و در بین وزیران باشند و من داماد وزیر... هستم. من حتما نماینده شما خواهم بود و مرا از بالا انتخاب نموده اند، بالاخره نماینده خواهم شد... از قدیم گفته اند انسان بایستی در دیوان پارتنری باشد و وزیر خارجه پارتنری من است..."

آقای سعیدیان قر نماینده خمینی شهر گفت: بنده می خواهم بدانم به چه گناهی صلاحیت رد شده است دهر روز به ما توهم کردند و گفتند که پرونده های سنگین داریم.

آقای کروی در جواب ایشان گفتند: درست است شما پرونده دارید برای اینکه زمان شاه به ۱۵ سال زندان محکوم شده بودید و من نیز با شما در زندان بودم که البته آن پرونده باعث انتشار است.

ببینید از انتخابات بخصوص آنچه که در تهران رخ داده، اگر آقای رئیس جمهور چنین تحلیل دارند که معلوم شده اکثریت مردم به سیاستهای اقتصادی و فرهنگی یا مسایل سیاست خارجی دولت رای داده اند... این مقداری که در

آنان به مجلس جلوگیری شود؛ و اگر "خدای ناکرده" چنین افرادی به مجلس وارد شوند، "نظام" به مخاطره خواهد افتاد.

در جو سرکوب و اختناق حاکم بر ایران، هیچکس جز شخص خامنه ای نمی توانست این چنین روشن و با صلابت ماهیت ضد دموکراتیک رژیم "ولایت فقیه" و "خیمه شب بازی" انتخاباتی آن را افشا کند. باید به خاطر این صراحت در گفتار، از "رهبر جمهوری اسلامی" تشکر کرد.

با دریافت این چراغ سبز رسمی از سوی خامنه ای، شورای نگهبان قلع و قمع کاندیداهای "نامطلوب" و به قول سردمداران رژیم "عوضی" را آغاز کرد. با تکیه بر فتوای خامنه ای، ابوالقاسم خزعلی، عضو شورای نگهبان، در یک سخنرانی اعلام کرد: "اگر یک عوضی خواست وارد [مجلس] شود، د. د. ت خواهیم زد. من نمی گذارم تا جایی که قدرت داریم عوضی وارد شود".

از اولین کسانی که شورای نگهبان به آن "د. د. ت" زد، محمد ابراهیم اصفهزاده، نماینده مجلس و سخنگوی "گروه دانشجویان خط امام" که سفارت آمریکا در تهران را اشغال کردند، بود. در هفته دوم فروردین ماه، لیست رسمی کاندیداهای مورد تأیید شورای نگهبان اعلام شد. معلم شد که از بین ۳۱۵۰ کاندیدایی که در سراسر ایران ثبت نام کرده اند، صلاحیت تعداد ۱۱۰۰ نفر، یعنی بیش از یک سوم آنها، مورد تأیید شورای نگهبان قرار نکرده است. در میان حذف شدگان نام افرادی چون اسدالله بیات، نایب رئیس مجلس، موسوی تبریزی و صادق خلخالی، اعضای کمیسیون خارجی مجلس، یهزاد نبوی و... دیده می شد.

علی اکبر محتشمی در یک مصاحبه با نشریه "شرق الاوسط" چاپ لندن گفت که اگر قرار باشد صلاحیت نامزدهای "مجمع روحانیون مبارز" رد شود، این مجمع نامزدی برای انتخابات معرفی نخواهد کرد. "مجمع روحانیون مبارز" نیز در بیانیه ای که در این رابطه در روز ۱۴ فروردین منتشر کرد، هشدار داد: "ما فکر نمی کنیم که جریان حذف نامزدهای انقلابی به همینجا ختم

شود. بعد از پایان رای گیری هم با ابطال آرای ریخته شده در صندوقها ادامه پیدا خواهد کرد". در ادامه این بیانیه گفته می شود: "فضای نا سالم حاکم بر محیط انتخابات از شرکت گسترده مردم جلوگیری خواهد کرد". روزنامه "سلام" نیز در شماره ۱۲ فروردین خود نوشت: "... چنین بنظر می رسد که اکثریت نامزدهایی که نامشان حذف شده به جناح مشخصی تعلق دارند... کمیته های تعیین شده از سوی شورای نگهبان تعدادی از مشهورترین شخصیت های انقلاب اسلامی و کشور را غیر صالح تشخیص داده و قصد حذف آنها را دارند".

پاسخ شورای نگهبان به این اتهام مطرح شده از سوی جناح "تندرو" از خود اتهام وارده نیز گویاتر است. آیت اله جنتی، سخنگوی شورای نگهبان، در توضیح معیار حذف کاندیداها گفت که این شورا به شکلی "عادلانه و از نظر قانونی مستولانه" عمل کرده و علت حذف برخی از کاندیداها، نه وابستگی جناحی آنها، بلکه "سواد شدیداً محدود" آنها بوده است!

اما شاید گویاترین گفته در رابطه با این "خیمه شب بازی" انتخاباتی، صحبت مهدی کروبی، رئیس مجلس و از سردمداران جناح "تندرو" باشد که بدون آنکه خود بخواهد، آنچه را که نمی بایست به زبان آورده شود مطرح کرده است. او در اعتراض به حذف کاندیداهای این جناح گفت: "میدان باید باز باشد در غیر این صورت بیم آن می رود که مردم از صحنه حذف شوند، اسم این را نمی شود انتخابات گذاشت". (تأکید از ماست - نامه مردم)

در پاسخ به آقای کروبی باید گفت که "جانا سخن از زبان ما میگوئی" ما مدتهاست که میگوئیم اسم این "خیمه شب بازی" را نمی شود انتخابات گذاشت. سالهاست که - با کمک و به دست خود شما - مردم از صحنه حذف شده اند. هیاهوی امروز نه بر سر "حذف" یا "شرکت دادن" مردم در انتخابات، بلکه فقط بر سر حذف یک گروه از کسانی که خود عامل "حذف مردم از صحنه" بوده اند به دست گروه دیگر است. همانطور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده

ایران نیز به درستی آمده، در حالی که "برخلاف اصول قید شده در قانون اساسی، نه تنها احزاب و گروههای سیاسی اجازه فعالیت آزاد و شرکت در انتخابات را ندارند، بلکه بسیاری از اعضا و هواداران آنها یا در زندانها بسر می برند یا به جوخه های اعدام سپرده شده اند"، این مضحکه "چیزی جز خیمه شب بازی از پیش تدارک دیده شده برای حذف مخالفان" نمی توانست باشد. اینجاست که به مصداق یک مثل قدیمی، باید از آقای کروبی و شرکای معترض او پرسید: وقتی که "جیک جیک مستونت بود، یاد زمستونت بود؟"

اما، حذف رقبا از لیست انتخاباتی، تنها بخشی از ترفندهای جناح "میانه رو" بود. علیرغم ممنوعیت هرگونه تبلیغ انتخاباتی تا یک هفته قبل از انتخابات، جناح رفسنجانی - خامنه ای با سوء استفاده از کنترل خود بر ارگانهای اجرایی دولت، از مدتها قبل تبلیغات انتخاباتی خود را آغاز کرده بودند. از جمله، طبق گزارش روزنامه "فایننشال تایمز" (۱۴ آوریل ۹۲) "آنها با پستخانه قرار گذاشته بودند که جزوات تبلیغاتی آنها را همراه با پست معمولی توزیع کند". این روزنامه به نقل از "یکی از مقامات ایرانی" نوشت: "آنها یکسال است که این کار را شروع کرده اند".

در چارچوب این ترفند بود که درست هفته آغاز تبلیغات "مجاز" انتخاباتی، شهردار تهران ناگهان به پاییزی شهر علاقمند شد و به قول "فایننشال تایمز" (۱۲ آوریل ۹۲)، علیه نصب پوسترهای انتخاباتی در سطح شهر "اعلام جنگ" داد. طبق گفته این روزنامه، شهردار تهران "کارمندان شهرداری را برای تعقیب پوستر چسبانان سیاسی به تمامی خیابانها گسیل داشته بود. آنها این پوسترها را حتی قبل از اینکه چسب آنها خشک شود از دیوارها می کشند و بدور می انداختند".

بدین ترتیب بود که تدارک "انتخابات" دوره چهارم مجلس شورای اسلامی به پیش برده شد. انتخاباتی که "یکی از مقامات وزارت ارشاد اسلامی" از مدتها قبل در مورد آن به "فایننشال تایمز" گفته بود "ما از هم اکنون می دانیم که چه کسی پیروز خواهد شد".

تهران رای می دهند این می تواند بیانگر آرا کل یا اکثریت واجدین شرایط در تهران باشد؟ ولو آنهایی که رای به این آقا ندادند، یعنی از یک میلیون و ۷۰۰ هزار رای نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ هزار رای ندادند. بطور این یک میلیون و دویست هزار هزار که رای نداده اند، آن دلیل بر چیزی نیست؟ اما آن پانصد و سی و چند هزار نفر که رای دادند این دلیل بر تأیید تمام ملت است!

اما بهر حال جامعه وقتی مطالب را می شنود یعنی از موضع آن جریانی که مدعی است پیروز شده، چون دارد تحلیل انتخابات می شود، این مطالب گفته می شود آنوقت آنها این عدل و سزوار است که این مطالب از رسانه های عمومی کشور مرتب تکرار شود؟ ولی بنده باید بیایم در یک محیط در بسته این حرف خودم را بزنم و به گوش کسی هم نرسد؟ این استفاده نابرابر از امکانات در انتخابات نیست؟ آیا تحلیل های آقای رئیس جمهور و این حمله ها به جناح مقابل روحانیت مبارز در زمان پیش از برگزاری مرحله دوم ناعادلانه نیست؟ آیا به مجمع روحانیون مبارز هم اجازه می دهند از رادیو و تلویزیون به همین مقدار و بلکه یکسوم آن استفاده کنند و حداقل جواب این حملات را بدهند؟ ما هستیم و یک روزنامه سلام و آنها "وحملوا علیه من کل جانب".

... و اما اینکه در مجلس و در کل مدیریت جامعه، آیا یکدست بودن بهتر است یا مشارکت همه جناحهای سیاسی کشور که وقادار به انقلاب اسلامی و خط و راه حضرت امام هستند؟ از مجموعه عملکرد حضرت امام (س) بطور قطع چنین استفاده می شود که ایشان یکدست بودن کل مدیریت جامعه را به صلاح کشور نمی دیدند و این برخورد حضرت امام می تواند دلایل مختلف داشته باشند. به نظر بنده یکی آن بود که چون هیچیک از گروههای سیاسی موجود به کل نیروهای جامعه نمی توانست پوشش بدهند... ۴۹

در مطبوعات انقلاب

"اگر نویسندگانی این چنین در داخل کشور برای انتشار مطالبشان آزاد باشند، افراد ضد انقلاب و لیبرال مسلک خوشحال می شوند. وی افزود در صورت وجود این چنین آزادی هایی ضد انقلابیون تحلیل خواهند کرد که ایران در حال استحاله است و مسایل مادی جایگزین ارزش های انقلاب اسلامی شده است و نویسندگان و هنرمندان فراری هوس می کنند به کشور باز گردند".

آیت اله جنتی - نماز جمعه تهران - کیهان ۱۹ اردیبهشت

از آقای سازگارا سوال شد وضع آزادی مطبوعات با توجه به تشکیل مجلس چهارم چگونه خواهد بود؟ وی گفت: پیش بینی سخت است. البته ترکیب مجلس معلوم شده که جناح خاصی برنده شده است. من وضع فعلی مطبوعات را البته خیلی هم زاد نمی دانم، یعنی با یک آزادی مطلوب مطبوعاتی ما فاصله داریم..."

رسالت ۲۲/۲/۷۱

"شما نگاه کنید اگر یکی از شخصیت های ۵۰۰ سال یا ۱۰۰۰ سال پیش همین الان (فرض کنید ابوعلی سینا) زنده بود فکر می کنید چه بلائی سرش می آوردند؟ من مطمئن هستم که هم تکفیرش می کردند هم اعدامش می کردند ولی برای وی هزاره هم می گیرند. شما فرض کنید سعدی یا حافظ الان زنده می بود. حتی با یکی از این شعرهایی که گفته اند بعنوان مظهر تهاجم فرهنگی غرب مطرح می شدند ولی امروز مقام معظم رهبری پیرامون شخصیت حافظ صحبت می کنند".

مهندس عبیدی - مدیر مسئول روزنامه سلام
سلام - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۷۱

"در مورد بستن "سلام" عرض کنم که ما اصلا فکر نمی کنیم که نظام به این حد رسیده باشد، یعنی اصلا به ذهنمان هم نمی رسد که مسئولین نظام به این حد رسیده باشند که حالا بخواهند "سلام" را ببندند".

سلام - ۲۳ اردیبهشت ۷۱

دادستان انقلاب

"متأسفانه این روزها برخی مطالب و مقالات و نوشته های مندرج در برخی از روزنامه ها آشکارا از محدوده برخورد سلیقه ها و نظرات مختلف خارج گردیده و عملا حرم تلاقی افکار و اندیشه سالم را شکسته و القای یاس و نومیدی و ایجاد تشویش در اذهان عموم را دنبال می کند که نتیجتاً این اعمال چهره نورانی کشور را خدشه دار می نماید و اساس نظام را زیر سوال می برد و بهرواضح است که این گونه مسائل منافی با قوانین جاری و محل امنیت کشور و زمینه ساز سوء استفاده دشمنان انقلاب اسلامی خواهد شد و قطعاً با توجه به مدارج و مستندات موجود با این قتنه گری ها با قاطعیت و بدون اغماض برخورد خواهد شد".

کیهان - ۲۰/۱/۷۱

"چرا این روزها شاهد سقوط قیمت مرغ و تخم مرغ و سایر مواد غذایی هستیم. قبل از آغاز سال نو به طور کم سابقه ای منازعه دارها بر قیمت مرغ و تخم مرغ و گوشت و ماهی افزودند! ولی مانند البسه و کفش قیمت مواد خوراکی نیز در این روزها سقوط کرد و این درحالی است که تعداد مصرف کنندگان کم نشده است... اکنون این سؤال مطرح می شود که چرا این گونه افزایش قیمت ها و سقوط آن مورد توجه مسئولان امر قرار نمی گیرد و به علل آن توجه نمی شود که کسبه این طور به مردم اجحاف نکنند".

از تلمن های بیشمار مردم به کیهان - ۲۲/۱/۷۱

"ما وعاظ و خطبا مسئولیت سنگینی داریم... یک بحث نادرستی را به عنوان یک بحث اخلاقی بیاندایم در ذهن مردم. آنهاهی که فکر دارند می گویند خوب، این حرف درست نیست و در اصل دین هم شک می کنند. آنهاهی که فکر ندارند، ممکن است بپذیرند و در زندگی شان هم تأثیرات نامطلوبی بگذارد، خانواده شان را دچار مشکل بکنند و بعد جامعه را هم دچار مشکل کنند... مردم را دعوت به فرهنگی که قابل زندگی کردن نیست نکنیم. مردم را منحرف نکنیم. افکاری را که برای خودمان خلق کرده ایم به زور به خورد مردم ندهیم..."

رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه

برپایی نمایشگاه



در آذر ماه سال گذشته "حمید دوستیان"، یکی از هنرمندان نقاش تبریزی با مجوز رسمی از اداره ارشاد اسلامی و جلب

همکاری عده ای از کارکنان این اداره. نمایشگاه نقاشی از چهره های درخشان و ماندگار تاریخ آذربایجان در دو طرف مرز ایران و شوروی (سابق) به همراه شرح مختصری از بیوگرافی آنان، از مشروطه تا سالهای اخیر برپا نمود.

از جمله شخصیت های معرفی شده از آذربایجان ایران، ستارخان، باقرخان، حیدرعمر اوغلی، محمد خیابانی، کسروی، دکتر تقی ارانی، علامه طباطبایی، صمدبهرنگی، پیشه وری، اقبال آذر و از جمهوری آذربایجان، جلیل محمد قلی زاده، قحطلی آخوند زاده، حاجی عزیز بیگوف و ... نام برد که هر کدام در عرصه هنر، ادبیات و فلسفه و موسیقی و مبارزات سیاسی خدمات شایسته ای به خلق خود و کشورهای متبوعشان کرده اند و از این جهت همواره مورد احترام مردم بوده اند.

چند روزی از برپایی نمایشگاه نگذشته بود که عده ای از ... سازماندهی شده از طرف روزنامه جمهوری اسلامی که صاحب امتیازش شخص "ولی ققیه" است و از طرف کمیته چی های نیروی انتظامی و ماموران اطلاعاتی حمایت می شدند، به محل نمایشگاه حمله برده و ضمن ضرب و شتم بازدیدکنندگان نمایشگاه، کلیه وسایل را تخریب کرده و یا به غارت برده اند و حمید دوستیان نیز به جرم توطئه علیه رژیم از طرف مزدوران امنیتی دستگیر و به محل نامعلومی برده شده است.

شکنجه گاهی بنام کمیته

کمیته خیابان زنجان تهران در واقع بخشی از شکنجه گاه زندان اوین محسوب می شود و پاسخگویی به خانواده های داغ دیده فاجعه ملی را عهده دار بوده است.

این کمیته همچنان جزو یکی از تعزیرگاههای وابسته به زندان اوین برای فعالین سیاسی مخالف رژیم و حتی مردم عادی که عیناً دستورات قتها را در زندگی روزمره خود رعایت نمی کنند، می باشد. چندی قبل، پدری که فرزندش به جرم حرف زدن با دختری در خیابان دستگیر و در کمیته زنجان بازداشت شده بود، جهت با خبر شدن از وضع وی به آنجا مراجعه می کند. او می گفت:

"وقتی وارد کمیته شدم، صدای ناله و فریاد و صدای شلاق از بعضی از اتاقها بگوش می رسید. در این کمیته عده بیشماری نوجوان ۱۲ و ۱۴ ساله به جرم داشتن عکس فلان هنرپیشه و خواننده بازداشت شده و هر روزه مورد ضرب و شتم شکنجه کمیته چی ها قرار می گیرند".

عفو عمومی در رژیم قتها؟

یکی از زندانیان عادی که با فرمان عفو خلیفه مسلمان، خامنه ای در ۲۲ بهمن ماه آزاد شده بود می گفت:

"آخر اینها چه آدمهایی هستند. کسانی که مورد عفو قرار گرفته اند و علاوه بر زندان، محکومیت شلاق خوردن هم داشته اند را به هنگام آزاد کردن شلاق زده و خونین مالی تحویل خانواده هایشان داده اند. وی از وضعیت زندانیان عادی در اوین نسبتاً راضی بود. اما در مورد زندانیان سیاسی می گفت شرایط آنها بد است و حساسی شلاق می خوردند

حاکمیت جمهوری ...

درگیر در چهارمین انتخابات مجلس شورای اسلامی و افشاکری بی سابقه ای که از تریبون های مجاز رژیم مانند روزنامه ها ، مجلس و متینگ های انتخاباتی علیه سیستم ضد دموکراتیک حاکم انجام گرفت ، انعکاس وسیعی در سرتاسر جامعه پیدا کرد و نگرانی شدید گروه حاکم را به عواقب گسترش چنین افشاکری های برانگیخت. تهدید وزیر کشور پیرامون رسیدگی به وضع برخی روزنامه ها مانند روزنامه "سلام" ، یورش گسترده گروه های چاقو کش به دفتر مجله "فاران" ، بپ گذاری در مجله "دنیای سخن" ، و تهدیدات آشکار آقای رفسنجانی در نماز جمعه ، گوشه ای از کارزار وسیع و تدارک دیده شده حاکمیت برای سرکوب اوج گیری موج نارضایتی است که سرتاسر کشور را فراگرفته است.

در راستای چنین کارزار وسیعی است که روزنامه های وابسته به جناح حاکم نیز وارد صحنه مبارزه شده و گروه و دسته های مقابل را بشدت مورد حمله قرار می دهند.

برای روشن تر شدن ماهیت درگیری ها و نگرانی گروه حاکم ، بررسی سرمقاله کیهان ۲۵ فروردین ماه ، نوشته مدیر مسئول آن ، آقای مهدی نصیری بسیار گویا و جالب است. ما توجه خوانندگان را به نظرات آقای نصیری جلب می کنیم ، " چندی است یک جناح جدید پا به میدان گذاشته است که ما اسم آن را گذاشته ایم "دموکرات های جمهوریخواه". دموکرات از این جهت که وقتی وارد عرصه فرهنگ می شوند و از مقوله فرهنگی و هنری سخن می گویند دست دموکرات های حرفه ای و لیبرال کلاسیک و مدرن را از پشت بسته ... و هنگام سخن گفتن از آزادی و تبیین آن ، چنان دل و دین از کف می دهند که همه آزادیخواهان دنیا ... انگشت حیرت به دهان می خایند ... "

آقای نصیری مانند بسیاری از سردمداران رژیم دشمنی عیان خود با آزادی و دموکراسی را پنهان نمی کند. بنظر او و سایر همفکرانش ، مقولات دموکراسی و آزادی ، مقولات بسیار خطرناک و ضد اسلامی هستند که تظاهرشان در هر شکلی می بایستی سرکوب گردد. وی در ادامه مقاله با حمله به دفاع برخی از روزنامه ها و نشریات از آزادی می نویسد :

" از ته دیک همین دیدگاه حمایت از نشریات موهن به مردم و انقلاب و ترویج فیلم های مروج عشق نوتی و حاوی اهانت به حضرت امام و تمجید و تحلیل از روشنفکران غرب زده و ملحد (همان " شهروندان ایرانی " که در فراز های بالا گفته شد) در می آید ... این لیبرال منشی حضرات تندرو ، چپ و رادیکال ، به همین جا متوقف نمی ماند بلکه تا حمایت تلویحی از گروهک آمریکایی نهضت آزادی کشیده می شود ... "

نگرانی آقای نصیری و همفکران در میان این سطور مشخص تر بیان شده است. جناح حاکم نگران پدید آمدن گروه بندی های جدیدی از مخالفان و منسجم شدن صفوف آنان است. نگرانی حضرات از گسترش این عقیده است ، که شهروندان کشور ما می بایستی در فضای آزاد و دموکراتیک بتوانند عقاید و نظرآشان را انتشار دهند و از شلاق و شکنجه و اعدام نهراسند. نگرانی از نفوذ اندیشه های "رادیکال" ، "چپ" و آزادی خواهانه ای است که رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای ارجماعی مدعی از بین رفتن آنها در جامعه بوده است.

اکنون دیرگاهی است که مشروعیت و قانونیت رژیم "ولایت قیه" برای بخش عمده ای از مردم و حتی

بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی نیز به زیر سوال رفته است. نظری که اکنون بطور وسیع در جامعه مطرح می گردد ، این است که چرا می بایستی "اوامر" و خواست های یک فرد که مردم کوچکترین دخالتی در انتخابش نداشته اند فرای خواست میلیون ها انسان قرار گیرد و بر اساس چنین درکی کلیه حقوق و آزادی شهروندان یک کشور به خشن ترین شکل ممکن پایمال گردد.

پاسخ نصیری و شرکا در این زمینه جالب و خواندنی است :

" ... از چند ماه قبل از برگزاری انتخابات شاهد طرح مساله ای هستیم تحت عنوانی چون " جمهوری نظام مقدم است یا اسلامیت نظام " ... برآستی چه انگیزه ای موجب شده است آقایان درصدد دیوار کشی بین اسلامیت نظام و جمهوری نظام برآیند ؟ مگر نه این است که جمهور مردم ما ، اسلام را می خواهند ؟ مگر نه این است که مشروعیت نظام (از سوی وحی و شرع) و مقبولیت نظام (از سوی مردم) دست در گردن هم دارند ... "

ادعاهای آقای نصیری به هذیان های یک آدم بیمار بیشتر شباهت دارد تا به فردی که می بایستی ارگان تبلیغاتی رژیم را اداره کند .

واقعت اینست که جمهور مردم ما ، بر خلاف ادعاهای سران حکومت ، به هیچ وجه خواهان ادامه رژیم "ولایت قیه" نیستند. سرکوب شدید هرگونه مخالفت ، بسته بودن و بسته شدن مطبوعات منتقد ، دستگیری ، شکنجه و اعدام دگر اندیشان ، ممنوع بودن احزاب و گروه های سیاسی ، ممنوع بودن سندیکا های کارگری ، انجمن ها و سازمان های دانشجویی و بالاخره وجود انواع و اقسام نهاد ها و گروه های مسلح و سرکوبگر در جامعه دلایل غیر قابل انکاری از ترس و وحشت مجموعه حاکمیت از اظهار نظر آزادانه و رجوع به آرا مردم است.

حکومتی که بر اعتماد و پایگاه وسیع توده ها متکی باشد محتاج به شیوه های ضدانسانی و غیر دموکراتیک برای حفظ موجودیت خود نیست. حضرات حتماً فراموش نکرده اند که در روزهای پیروزی انقلاب و هنگامی که مردم هنوز به مایهت واقعی شمار ها و برنامه های خمینی و طرفدارانش پی نبرده بودند ، چگونه همین افراد با برگزاری رفتارندم جمهوری اسلامی خواهان تصویب مشروعیت نظام از جانب مردم گردیدند .

پای فشردن گروه حاکم بر ضرورت ادامه حکومت "ولایت قیه" از بی اعتدای آنها به خواست ها و نظرات اکثریت مردم کشور ما ناشی می گردد و نشانگر نگرانی عمیقی است که بخش عمده ای از حاکمیت نسبت به سرنوشت خویش دارد .

گروه حاکم در بن بست دشواری قرار گرفته است. آنها از یک طرف می خواهند با ژست "رفرمیست" و "پراگماتیست" بودن نظر مثبت نیروهای خارجی ، خصوصاً دولت های غربی را به خود جلب کنند و از سوی دیگر مردم کشور را با وعده های سرخرمن فریب دهند. گروه حاکم در عین حال می داند که به شیوه گذشته نمی توان به حکومت ادامه داد. آنها خوب می دانند که ادامه رژیم "ولایت قیه" در جو نارضایتی کنونی ، بحران تعمیق یافته اقتصادی و قرار داشتن یک "حجت الاسلام" کم سابقه "کم سواد" و "بی رساله" که خود می بایستی به کس دیگری "اقتدا" کند و از نظر علوم دینی نیز مورد قبول هیچک از رهبران درجه اول مذهبی نیست ، بر کرسی "ولایت" در دراز مدت بسیار مشکل است .

برنامه گروه حاکم در پاکسازی برخی از مخالفان در چارچوب انتخابات چهارمین مجلس

شورای اسلامی نیز با این درک صورت گرفت ، که در ماه های دشوار و بحرانی آینده صدای مخالفان و کسانی که می توانند از درون اعتبار رژیم را بیش از پیش خدشه دار کنند خاموش گردد .

حجت الاسلام روحانی ، دبیر شورای مرکزی انتخابات به روشنی روی این موضوع انگشت گذارده و بی پرده اعلام می کند : " انتخابات دوره چهارم مجلس بخاطر مسایل سیاسی - اقتصادی موجود بسیار حساس است... بخاطر معضلات اقتصادی کشور ، بار سنگین سیاسی و نیز فشار های فرهنگی دشمنان لازم است مجلس چهارم با اطاعت از رهبری و حمایت دولت به حل مشکلات کشور بپردازد ... اگر افراد نا صالح به مجلس بروند می توانند مشکل و قته انگیزی درست کنند ... نباید مشکلات مجلس های گذشته تکرار شود ... "

گروه رفسنجانی و شرکا ، با تصمیم دشواری روبرو هستند ، ادامه هرگونه فرم و تحول سیاسی در جمهوری اسلامی در انتها زمینه ساز پایان رژیم "ولایت قیه" خواهد بود و از طرف دیگر ، اگر رژیم کارزار نوینی از سرکوب ، و بیکرد نیروهای مخالف ، را آغاز کند ، نارضایتی عمومی می تواند به حد انفجار رسیده و جامعه دستخوش تحولاتی گردد که کنترل آن از دست رژیم خارج گردد .

بنظر ما رژیم قادر نخواهد بود جلوی روند تحولات کنونی در جامعه ما را سد کند. نمی توان جامعه را به عقب برگرداند. با مرگ خمینی ، آغاز روند فروپاشی نظام جمهوری اسلامی به شکلی که او بنا کرده بود نیز آغاز گردید. اینکه چه کسی این تابوت را به خاک بسپارد ، مسئله ما و مردم ایران نیست. مسئله تسریع این روند برای خلاص کردن اکثریت مردم جامعه از بندهایی است که هم عرصه های زندگی آنان را در بر گرفته است.

خواست پایان دادن به رژیم "ولایت مطلقه قیه" در جامعه ما ، چنان ایماز گسترده و وسیعی پیدا کرده است ، که رفسنجانی و شرکا ، نخواهند توانست برای مدت طولانی در مقابل آن مقاومت کنند .

تصور نمودن روزی که آقای رفسنجانی از اهرم های "غیبی" برای رفع زحمت "ولی قیه" مدد بطلبند چندان دشوار نیست. ائتلاف کنونی و جناح بندی هایی که هم اکنون در درون رژیم شکل گرفته است ، به هیچ وجه دارای مایهت پایدار و همسو نیست ، شخصیت های رژیم جمهوری اسلامی نشان داده اند که در تغییر موضع و بندبازی سیاسی از استادی ویژه ای برخوردار هستند ، تلقی های امروز و به عرش رساندن های این یا آن شخصیت به راحتی می تواند جای خود را به پرونده سازی و یورش وسیع و سازمان یافته تبلیغاتی بدهد . سرنوشت آقای منتظری ، مهدی هاشمی و کربوبی ها و موسوی خوئینی ها امروز براحته می تواند در انتظار خامنه ای ها و یا رفسنجانی های در آینده ای نه چندان دور باشد .

سخن ما با تمام کسانی که امروز موضع عوض می کنند و خود را در صف مخالفان استبداد و آزادی کشی قرار می دهند ، روشن است ، ملاک عمل نیروها ، و نه ادعای آنان است .

مبارزه در راه رهایدن جامعه از طلسم "رژیم ولایت قیه" امر مقدسی است که همه افسراد ، گروه های و نیروهایی که به آزادی و سربلندی ایران و شکوفایی آن می اندیشند را در بر می گیرد. هرچه صفوف این مبارزه وسیع تر و گسترده تر باشد امکان پیروزی و موفقیت آن بیشتر خواهد بود .

اعلام حکومت نظامی در آمریکا

یدنبال تشدید ناآرامی ها و اعتراضات وسیع در شهر لس آنجلس و کشانده شدن آن به سایر شهرهای آمریکا، مانند سانفرانسیسکو، میامی و برخی شهرهای دیگر، رئیس جمهور آمریکا، در یک پیام تلویزیونی وضعیت فوق العاده در کشور اعلام کرد و از نیروهای گارد ملی خواست تا کنترل شهر لس آنجلس را به دست گیرند. به دنبال این پیام حکومت نظامی در شهر لس آنجلس برپا گردید.

براساس آخرین گزارشات رسانه های گروهی، ناآرامی های اخیر ۵۶ نفر کشته و بیش از ۱۰۰۰ تن زخمی و صدها میلیون دلار خسارات ملی برجای گذاشته است. برپایه گزارش پلیس لس آنجلس در طی ناآرامی ها ۴۰۰۰ نفر دستگیر و روانه زندان گردیدند.

علل آغاز درگیری های اخیر محاکمه جنجالی ۴ افسر پلیس به جرم مضروب ساختن یک راننده رنگین پوست و بی گناه شناخته شدن آنان از طرف دادگاه مربوطه اعلام گردیده است. در جریان برگزاری دادگاه علیرغم ارائه اسناد و شواهد غیر قابل انکاری از جمله نوار ویدئویی از این واقع که به نمایش نیز گذارده شد، هیئت منصفه ۱۲ نفره که حتی یک رنگین پوست در میان آنان نبود، ۴ افسر پلیس را بی گناه تشخیص دادند.

به نظر اکثر مفسران سیاسی این محاکمه و رای هیئت منصفه تنها جرعه ای بود که به شبکه باروت انداخته شد. دلایل عمده ناآرامی های اخیر، که بدترین در تاریخ اخیر آمریکا است، تشدید

بحران ساختاری، اقتصادی، تشدید فقر و بیکاری میلیون ها انسان و در مجموع زندگی سخت و دردناکی است که بخش کثیری از رنگین پوستان آمریکا یا آن دست به گریبان هستند. اداره آمار آمریکا چندی پیش اعلام کرد که تعداد خانواده هایی که زیر خط فقر زندگی می کنند به تعداد ۳۶ میلیون نفر افزایش یافته است و این در حالی است که ۱٪ جمعیت آمریکا ۲۸٪ کل ثروت کشور را در اختیار دارد.

سیاست های شدیداً ارجحی دو دوره حکومت ریگان و بوش بر پایه یکه تازی بخش خصوصی و کم کردن بودجه های خدمات اجتماعی، فشار زندگی بر زحمتکشان در آمریکا را بیش از پیش افزایش داده است. این وضعیت آمریکا را به یک اقلیت بسیار کوچک و فوق العاده ثروتمند و گروه بیشماری که در مکنند و فقر زندگی می کنند، تقسیم کرده است. اثرات اجتماعی این تقسیم ناعادلانه، ازدیاد تساعدی آمار جنایت، قتل و جرایم مربوط به مواد مخدر و تشدید نارضایتی مردم نسبت به حکومت حاکم در آمریکا می باشد.

تحولات اخیر آمریکا، صحنه های تکان دهنده کشته شدن انسانهای بیگناه بر صفحه تلویزیون چهره عریان و زشت حکومت سرمایه داری در پیشرفته ترین نمونه اش، که در آن بی عدالتی، وحشی گری و تضاد شدید طبقاتی و استثمار از مختصات بارز و جدا نشدنی آن است را بار دیگر برای جهانیان به نمایش گذاشت.

پیام همبستگی احزاب برادر به سومین کنگره حزب توده ایران

پیام همبستگی حزب کمونیست یونان

رققای عزیز!

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان به مناسبت برگزاری کنگره سوم حزبتان، از صمیم قلب درود می فرستد و برایتان موفقیت های هرچه بیشتر را در تلاشستان آرزو می کند.

ما همبستگی رزمجویانه مان را با حزب شما که در شرایط بسیار دشوار در راه طرد رژیم تئوکراتیک و برای استقرار حقوق و آزادی های دموکراتیک و به منظور پیشرفت های اقتصادی و اجتماعی برای تمامی مردم ایران و نیز در راه تامین مبانی صلح و امنیت اجتماعی چه در مقیاس جهانی و چه در منطقه، مبارزه می کند، اعلام می داریم.

با وجود تغییر جهتی که در توازن نیروها در سطح جهان به نفع امپریالیسم جهانی و به ضرر صلح، و امنیت مشترک و سوسیالیسم پدید آمده است، حزب ما عمیقاً معتقد است که نقش جنبش کمونیستی در جهان از بین نرفته است.

در چنین شرایط دشواری که به خاطر تغییر توازن نیروها پدید آمده است، ضرورت همکاری بین احزاب کمونیست و سایر نیروهای مترقی برای پیشرفت، دموکراسی، صلح و برای جلوگیری از تحمیل "نظم نوین جهانی" از جانب امپریالیسم، خصوصاً امپریالیسم آمریکا بر مردم جهان شدیداً احساس می شود.

ما باردیگر آرزوی موفقیت برای شما داریم.

با درودهای رفیقانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

کمک های مالی رسیده:

رققای برلین ۳۶۰ مارک
دنیا ۵۰ مارک

سازمان ملل: ۹۰۰ میلیون گرسنه در جهان

طبق گزارش مشترک "سازمان جهانی بهداشت" و "سازمان غذا و کشاورزی" سازمان ملل متحد که در روز ششم ماه مه سال جاری منتشر شد، در حال حاضر ۹۰۰ میلیون نفر - یعنی یک پنجم جمعیت جهان - از سوء تغذیه رنج می برند. در این گزارش آمده است که هر سال در سراسر جهان، ۱۳ میلیون کودک زیر ۵ سال در نتیجه کمبود تغذیه و عفونت جان می سپارند. در ادامه گزارش آمده است که "وعده های بیشماری برای جلوگیری از گرسنگی کودکان داده شده است، اما این وعده ها هنوز به مرحله عمل در نیامده اند". نکته بسیار جالب در گزارش این است که طبق برآورد این دو سازمان، علیرغم رشد سریع جمعیت، حجم تولید غذا در جهان همچنان بیش از مقدار مورد نیاز ساکنان کره زمین است.

۲۹ - امین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی (سابق)

مسکو: خبرگزاری "آ. د. ان"

کمونیست های برخی از جمهوری های جدیدالتاسیس اتحاد جماهیر شوروی (سابق)، در نظر دارند در اول ژوئیه ۱۹۹۲ کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی را برگزار کنند. این خبر توسط یکی از اعضای رهبری کمیته اتحاد کمونیستها روز شنبه ۱۶ ماه مه در اختیار "انترفاکس" قرار گرفت.

در این کنگره نمایندگان از روسیه، قزاقستان، بلاروس، مولداوی و اوکراین شرکت خواهند داشت. آخرین کنگره حزب کمونیستهای اتحاد شوروی (سابق) در ماه ژوئن سال ۱۹۹۰ برگزار شد و فعالیت این حزب در پائیز سال ۱۹۹۱ توسط یلتسین غیر قانونی اعلام گردید.

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 376

MAY 26 , 1992

نامه مردم

ADRESSE: 1- Postfach

100644

1000 Berlin 10

بها: ۲۰ ریال